

# ایران: تحولات داغ سیاسی در یک تابستان داغ

روشن نشده بود، نمایندگان منتقد اصلاح طلبان با قاطعیت از عزم قاطع خود برای تغییر سریع برخی از قوانین، که مهم‌ترین دستاوردهای جناح محافظه کار در مجلس پیشین بود، آغاز به سخن گفتن کردند. از جمله، به صراحت وعده دادند که فوری‌ترین اقدام آنان، اصلاح قانون مطبوعات و قانون احزاب خواهد بود. به عنوان نمونه، آقای رجبعلی مزروعی روز دوازدهم خرداد اعلام کرد: اصلاح قانون مطبوعات و قانون احزاب از برنامه‌های جبهه دوم خرداد در مجلس ششم

مجلس به نوعی توافق (یا مصالحه) رسیده‌اند، با قوت بیشتری در اذهان جای گرفت. البته دارندگان این باور، ضمناً یقین هم داشتند که به زودی شاهد صف‌آرایی نیروها برای آغاز مبارزات مربوط به هشتمین انتخابات ریاست جمهوری خواهند بود، اما همچنان که فوقاً ذکر شد، کسی گمان نمی‌کرد به این زودی، و در حالی که هنوز تکلیف فراقسیون‌بندی در مجلس جدید هم روشن نشده بود، صف‌آرایی برای انتخابات ریاست جمهوری در سال آتی، آغاز شود.

جناح راست، خیلی زودتر از موعدی که انتظار می‌رفت، برنامه‌های خود را برای مبارزات مربوط به هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری آغاز کرده است. این جناح، علاوه بر گروه‌های تشکیل‌دهنده جبهه دوم خرداد، به ویژه جبهه مشارکت، شخص رییس‌جمهور را هم بی‌هیچ پرده‌پوشی در کانون نقد قرار داده و با برنامه‌ای حساب شده، می‌کوشد ذهنیت جدیدی را در مورد برنامه‌های فرهنگی و اقتصادی رییس‌جمهور به جامعه القاء کند. در راستای اجرای این هدف، گروه مزبور حتی از ابراز صریح شبهات خود در مورد برداشت رییس‌جمهور از مقولات دینی، که به زعم آن غلط است، ابائی ندارد و این شبهات را به صراحت در نشریات وابسته به خود، منعکس می‌کند.

پیش از آن‌که به مصادیق عینی این موضع‌گیری‌ها بپردازیم، لازم است این نکته را متذکر شویم که نه تنها زمان شروع مبارزات انتخاباتی آتی ریاست جمهوری (که در خرداد سال آینده برگزار می‌شود) از سوی جناح راست، موجب حیرت ناظران موشکاف مسایل سیاسی شد، بلکه گسترش دامنه هجوم تبلیغاتی آن نیز تعجب این ناظران را برانگیخت.

باید در نظر گرفت که با پایان یافتن انتخابات مجلس ششم و به سامان رسیدن اختلافات در مورد نتیجه انتخابات در تهران و چند شهر دیگر (که به نظر می‌رسد حاصل یک توافق بین جناح‌های سیاسی ذیتفع بوده است) این تصور ایجاد شده بود که فعالان عرصه مبارزات سیاسی کشور چند صباحی از تب و تاب خواهند افتاد و برای تجدید قوا هم که شده، مدتی تنور نقد کردن، متهم ساختن رقبا و ایجاد امواج سیاسی را خاموش خواهند کرد. این باور، مخصوصاً پس از آن‌که احساس شد اقلیت و اکثریت در مورد گزینش هیأت رییس‌ه دایم



محافظه کاران اکنون برداشت‌های دینی آقای خاتمی را هم به صراحت نقد می‌کنند

است. (روزنامه بیان ۱۲/۳/۷۹) علاوه بر این، برخی از نمایندگان مجلس جدید، با صراحت از لزوم تغییر قوانینی که به نظارت استصوابی شورای نگهبان مربوط می‌شود، سخن گفتند. این هر سه مورد از دیدگاه محافظه کاران جزو قلمروهایی هستند که تجاوز به آنها

شاید بتوان موضع‌گیری زودرس گروهی از رهبران جناح اکثریت مجلس ششم در مورد برخی از اموری را که محافظه کاران نسبت به آنها حساسیت دارند، عامل تعجیل جناح محافظه کار در آغاز مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری دانست، زیرا در شرایطی که هنوز تکلیف انتخاب هیأت رییس‌ه دایم مجلس هم

غیر قابل پذیرش و اغماض است.

در مورد نظارت استصوابی و قانون احزاب، محافظه کاران خیلی پیش تر به مقاصدی که داشتند، دست یافته بودند، لیکن برای قرار دادن مطبوعات در چهارچوبی که مطلوب ایشان بود، مجبور به مبارزه‌های طولانی شده بودند، و سرانجام هم در واپسین ایام عمر مجلس پنجم (که در آن اکثریت داشتند) با توسل به روش‌هایی که مورد ایراد خیلی‌ها هم قرار گرفت، قانون مطبوعات را به دلخواه اصلاح کردند، و همزمان، به ثمر نشستن اقدامات یاران خود در قوه قضاییه را برای تعطیل ۱۷ نشریه نظاره کردند و شادمان شدند. می‌توان تصور کرد که جناح محافظه کار چنین ارزیابی کرده بود که تا مجلس جدید به اصطلاح جا بیفتد و نمایندگان، که اکثر آن‌ها تازه کارند، بتوانند با زیر و بم کارها آشنا شوند، خطری دستاوردها و علایق ایشان را تهدید نمی‌کند، لیکن هنگامی که مشاهده کردند سران نمایندگان اصلاح طلبان برای حذف این دست آوردها خیز برداشته‌اند، آنان نیز هجومی را که برای ماه‌های آینده تدارک دیده بودند، پیش از موعد آغاز کردند.

### حمله از دو جبهه

بخشی از شخصیت‌ها و سازمان‌های وابسته به جناح راست از دو جبهه حملات مستقیمی را علیه دولت و شخص رییس‌جمهور آغاز کردند تا نشان دهند که این بار با هیچ‌کس و هیچ‌چیز، هیچ‌گونه رودربایستی نخواهند داشت. به فرازی از سرمقاله روزنامه رسالت روز یکشنبه ۲۲ خرداد که به قلم آقای محمد کاظم انبار لویی نوشته شده، توجه کنیم. ایشان با اشاره به سخنان آقای خاتمی در جمع دانشجویان مشهد می‌نویسد: «... سخنان رییس‌جمهور محترم چنین القاء می‌کند که آزادی و دین دو مفهوم متفاوت هستند و آزادی یک مفهوم برون‌دینی است و این همان دوگانگی است که اروپاییان با آن مواجه شدند.

در ذهن شتونده کلام رییس‌جمهور، این برداشت شکل می‌گیرد که جامعه ما نیز در انتهای قرون وسطی به سر می‌برد و در آستانه ورود به جهان لیبرال گرفتار روحانیونی شده

### است که با علم و آزادی مخالفند.

گرچه این سخنان در سرمقاله روزنامه رسالت مورد نقد فرار گرفته است، ولی اگر موضوع به همین سرمقاله ختم می‌شد، می‌توانستیم آن نوشته را نظر شخصی نویسنده سرمقاله تلقی کنیم، اما سه روز بعد بار دیگر شاهد ایرادگیری بسیار شدید به این موضوع هستیم و در خبر مربوط به مصاحبه آقای عسکراولادی، دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی، چنین می‌خوانیم: «عسکراولادی در پاسخ به این سؤال که برخی دین را در برابر آزادی می‌دانند و برخی هم آزادی را در برابر دین، نظر شما چیست؟ گفت: آنان که دین را در برابر آزادی می‌دانند باید بگویند از دین چه می‌دانند؟ و باید گفت که دین واقعی را نمی‌شناسند، چون همه پیامبران برای آزادی انسان‌ها قیام کرده‌اند. فلسفه قیام انبیاء رهایی انسان از طاغوت و تضمین بندگی خدا بوده است، پس کسانی که دین را در برابر آزادی می‌شناسند علاوه بر این که یک تهمت ناخواسته را به دین می‌زنند، نشان می‌دهند که نه دین را می‌شناسند و نه اعتقادی به دین واقعی دارند» (روزنامه رسالت ۷۹/۳/۲۵)

**اظهارات صریح آیت‌الله مصباح یزدی در مورد حدود اختیارات شورای نگهبان را می‌توان هشدار به نمایندگان تلقی کرد تا بدانند همه راه‌ها به این شورا ختم می‌شود**

رابطه آن سرمقاله و این سخنان با یکدیگر و جهت‌گیری نویسنده و گوینده مطالب فوق به

قدری واضح است که ادای هیچ توضیحی را الزامی نمی‌کند. خواننده با تعمق در محتوای همین مطالب می‌تواند استراتژی جدید محافظه کاران در برابر سیاست‌های فرهنگی رییس‌جمهور را بشناسد و به این نکته هم کمابیش پی ببرد که روند حرکت محافظه کاران در ماه‌های آتی، در این زمینه چگونه خواهد بود. در جبهه سیاسی، محافظه کاران از هر فرصتی برای القاء نیت خود، بهره می‌گیرند. به عنوان مثال، به نحوه انتخاب تیتراژ برای مصاحبه آقای نیازی (رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح) در صفحه اول روزنامه رسالت مورخ ۷۹/۳/۲۲ اشاره می‌کنیم: به عنوان تیتراژ اصلی، با حروف درشت، این جمله از مصاحبه‌کننده نقل شده است «رییس‌جمهور در رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای نقش مستقیم دارد» و در سطر زیرین با حروفی کوچک‌تر از تیتراژ اصلی این جمله نقل شده است: «این موضوع در تاریخ قضایی بی‌سابقه است.»

کارشناسان رسانه‌های جمعی و نیز جامعه‌شناسان، روانشناسان و آگاهان سیاسی می‌دانند که این‌گونه تیتراژها با هدف القاء نیت خاصی به مخاطبان است.

محافظه کاران، جبهه دومی هم را گشوده‌اند. آنان سیاست‌های اقتصادی دولت را شدیداً زیر رگباری از پرسش‌های انتقادآمیز قرار داده‌اند. تقریباً همه روزه مطالب هیجان‌انگیزی راجع به تورم، بیکاری، عدم توجه به مشکلات معیشتی مردم محروم، عدم توجه به مشکلات بخش تولید، متمرکز کردن امکانات در امور سیاسی و فرهنگی و غفلت از بن‌بست‌های اقتصادی، در نشریات وابسته به جناح راست و بنیادگرایان، از جمله روزنامه رسالت چاپ می‌شود. وجود این مشکلات واقعیتهای ملموس و غیرقابل انکار است و همگان نیز فشار آن‌ها را بر گرده خویش احساس می‌کنند، لیکن نحوه طرح آنها چنان است که خواننده اگر دقت لازم و حافظه‌ای قوی نداشته باشد، با خواندن این مطالب می‌پندارد که مشکلات یاد شده، همگی محصول عملکرد دولت کنونی است. گاهی در طرح مشکلات حتی خلط مبحث می‌شود و حقایق مورد دستکاری قرار می‌گیرد. باز هم به عنوان یک شاهد،

نمونه‌ای را ذکر می‌کنیم. در روزنامه رسالت مورخ ۲۳ خرداد و بر صدر تحلیلی به قلم آقای عباس درویش توانگر، این تیتراها را با حروف درشت مشاهده می‌کنیم: «چرا دولت خاتمی ۶/۳ برابر کل بدهی‌های دولت هاشمی پیشنهاد استقراض داد؟ اگر ۱۵/۸ میلیارد دلار بدهی برای دولت هاشمی مذموم است، چرا درخواست صد میلیارد دلار استقراض در دولت خاتمی نمی‌تواند ناپسند باشد؟»

کاهش دادن میزان استقراض از خارج در دو دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی به ۱۵/۸ میلیارد دلار (در حالی که تا رقم ۳۰ میلیارد دلار استقراض و بدهی از جانب وزرای اقتصادی دولت ایشان هم تأیید شده)، نمی‌تواند هدفمند نباشد. نویسنده آن تحلیل ضمناً به دلیل سابقه طولانی فعالیت در حوزه روزنامه‌نگاری اقتصادی، نمی‌تواند از این موضوع هم بی‌اطلاع باشد که وزرای اقتصادی دولت آقای خاتمی، اکثراً همان وزرای اقتصادی دولت آقای هاشمی رفسنجانی هستند (جز در موارد استثنایی) و این وزرا همان خط مشی اقتصادی گذشته را دنبال کرده‌اند. وی حتماً این موضوع را هم می‌داند که برنامه سوم توسعه در واقع دست‌پخت مجمع تشخیص مصلحت نظام، به ریاست آقای هاشمی رفسنجانی است. معهذا این واقعیات در تحلیل مورد توجه قرار نمی‌گیرد تا خواننده به یاد گذشته نیفتد و مسئول تمام نابسامانی‌های کنونی اقتصاد کشور را دولت فعلی بیندارد.

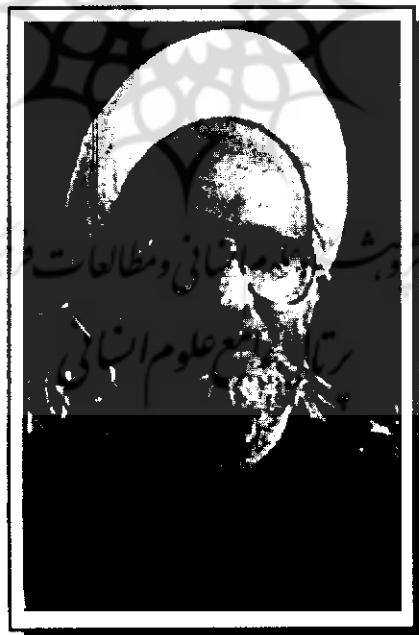
آقای محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی این نوع موضع‌گیری را چنین تفسیر و تبیین کرده است: «... اصلاً بحران‌هایی که برای آقای خاتمی ایجاد می‌شود برای این است که ایشان را منحرف کنند از رسیدگی به مسایل اقتصادی و این‌ها در جهت ساقط کردن دولت آقای خاتمی در جهت تقویت نظام سرمایه‌داری و تجارتي است...» (روزنامه بیان - ۷۹/۳/۲۴)

به هر حال این رویه نشان می‌دهد که محافظه کاران بنا دارند در ادامه رقابت‌های سیاسی با مخالفان خود، هم در جبهه سیاست سنگ تمام بگذارند و هم در جبهه اقتصاد.

### مجلس چه خواهد کرد؟

نمایندگانی که نامشان در فهرست انتخاباتی اصلاح‌طلبان (گروه‌های دوم خردادی) قرار داشته و به مجلس راه یافته‌اند، خود را در مقابل موکلانشان متعهد به انجام یک سلسله برنامه‌های اصلاحی کرده‌اند. تأمین و تضمین آزادی‌های مدنی، مبارزه با انحصارطلبی، ایجاد عدالت اجتماعی و قضایی (و از جمله پرونده قتل‌های محفلی)، مبارزه با فساد اداری و مالی، فراهم آوردن امکاناتی که همگان از فرصت‌های برابر برخوردار باشند و بسیاری مواعید دیگر، از جمله این تعهدات است.

آیا این گروه از نمایندگان از چنان انسجام و وحدتی برخوردارند که بتوانند برای تحقق شعارهای انتخاباتی خود، عمل کنند؟ این وحدت ضمناً مهم‌ترین عامل برای موفقیت دولت آقای خاتمی در یک ساله باقی مانده از دوره ریاست جمهوری ایشان هم هست.



آیت‌الله مصباح یزدی: نظر آن ۱۲ نفری که در شورای نگهبان حضور دارند حجت است

موضع‌گیری برخی از این گروه نمایندگان، این ظن را ایجاد کرده که ممکن است همه آنها، حداقل در مورد همه امور متعهد به حفظ وحدت در تصمیم‌گیری و اقدام نباشند که در

این حالت، رقبای سیاسی گروه‌های دوم خردادی، از فرصت‌ها و امکانات مطلوبی برای مانور کردن، و اجرای برنامه‌های خود، که شمه‌ای از آن‌ها را ذکر کردیم، برخوردار خواهند شد. استمرار این وضع سبب می‌شود که دولت آقای خاتمی در ماه‌های باقیمانده تا انتخابات آتی ریاست جمهوری، دائماً درگیر مواجهه با بحران‌هایی که مخالفان دولت ایجاد می‌کنند باشد و نمایندگان اکثریتی هم که باید دولت را مورد پشتیبانی قرار دهند، یا سرگرم مجادلات درون گروهی باشند، و یا نیروی خود را مصروف مقابله با بحران‌سازی‌های جناح‌های رقیب کنند.

کسانی که تحولات مجلس ششم را از آغاز تشکیل تاکنون با دقت تعقیب کرده‌اند، بر این باورند برخی از گروه‌های دوم خردادی مواضعی متفاوت با دیگران اتخاذ کرده‌اند که وسعت و عمق آن در ماه‌های آینده مشخص‌تر خواهد شد. آنان برای اثبات نظریه خود به برخی مواضع متفاوت نمایندگان وابسته به مجمع روحانیون مبارز، و حتی شخص آقای کروبی (رییس مجلس و دبیر مجمع روحانیون مبارز) با مواضع جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، استناد می‌کنند. برخی از این ناظرین حتی بر این عقیده‌اند که نوعی تفاهم در زمینه برخی از مسایل بین مجمع روحانیون مبارز با جامعه روحانیت مبارز و برخی شخصیت‌های طراز اول کشور حاصل شده است که نشانه‌های ملموس آن هنگام ارائه برخی طرح‌ها و لوایح بنیادی از سوی نمایندگان اکثریت و دولت، مشاهده خواهد شد. (در مورد منتفی نبودن اختلاف سلیقه بین گروه‌های دوم خردادی توجه به اظهارات دکتر احمد پورنجاتی، نماینده مردم تهران در مجلس، که از کاندیداهای دوم خردادی بوده، بی‌فایده نیست.

وی در مصاحبه‌ای که در روزنامه بیان اول تیرماه چاپ شده، گفته است: «... برخی از گروه‌های دوم خرداد سهم تاریخی خود را مطالبه می‌کنند و برخی دیگر سهم اجتماعی خود را مطالبه می‌کنند، لذا هنوز مشخص نیست که با چه رفتار فراکسیونی می‌خواهیم عمل کنیم... اگر فراکسیون‌های حزبی بخواهند با نوعی خود محوری و با احساس برخوردار

از هژمونی سیاسی برخوردار کنند، به نوعی تشتت در جبهه دوم خرداد می‌انجامد».

حتی اگر این فرض‌ها و نظریات را فاقد مبنا فرض کنیم و بپذیریم نمایندگان وابسته به گروه‌های دوم خردادی از وحدت و انسجام کامل برخوردارند، باز هم این پرسش به طور جدی مطرح است که آیا آنان قادر خواهند بود اصلاحات مورد نظر خود و برنامه‌های مورد انتظار دولت را بدون برخورد با موانعی جدی، مورد تصویب قرار دهند و به مراحل اجرایی برسانند؟

پاسخ به این پرسش را شاید بتوان از خلال گفته‌های آیت‌الله مصباح یزدی که ایشان را می‌توان نظریه‌پرداز عقیدتی محافظه‌کاران دانست، استخراج کرد. ایشان اخیراً (پس از تشکیل و رسمیت یافتن مجلس ششم) گفته است: «حتی اگر همه نمایندگان مجلس اجماع کنند که منظور قانونگذار از فلان ماده این است، ارزشی ندارد، ولی ۱۲ نفری که در شورای نگهبان حضور دارند، نظرشان حجت است» (روزنامه بیان - مورخ ۲۴ خردادماه، به نقل از خبرگزاری دانشجویی «ایسنا»)

بیانی از این صریح‌تر برای تعیین مرزهای عمل نمایندگان مجلس؟

شاید گفته شود این بیانات ناظر بر اختلاف برداشت از یک موضوع قانونی، و به مناسبت بروز یک اختلاف مقطعی اظهار شده است، لیکن در آن موقع نه چنین اختلافی وجود داشت و نه اصلاً بحثی در این موارد مطرح بود. پس ابراز این نظریه، درست در زمانی که مجلس ششم آغاز به کار کرده است، به مثابه تذکری‌ای است به نمایندگان، تا محدودیت‌های خویش و مجلس را بشناسند!

آیت‌الله مصباح یک واقعیت جاری را بیان کرده است. این واقعیت مربوط به موضع کنترلی شورای نگهبان و اختیارات نوشته و نانوشته آن است. شیوه عمل شورای نگهبان در همین انتخابات اخیر نشان داد که تا چه حد می‌تواند سرسختی نشان دهد و نظریات خود را به کرسی

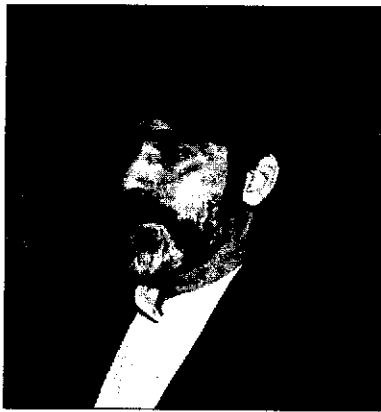
## جناح محافظه‌کار در دور جدید مبارزات خود، بینش‌های مذهبی رییس‌جمهور و برنامه‌های اقتصادی دولت را مورد نقدی صریح و خشن قرار داده است

بنشانند و یا اگر لازم شد، قوانین را چنان تفسیر کرد که جلوی یک حرکت مغایر با تمایلات هم‌اندیشان خویش را سد کنند. بنابراین اگر فرض بر این باشد که نمایندگان گروه‌های اصلاح‌طلب، حتی یک دل و یک زبان، قوانینی را تصویب کنند که از نظر محافظه‌کاران، عبور از خط قرمز تلقی شود و یا با منافع و تمایلات آنان در تضاد باشد، با سد شورای نگهبان مواجه خواهند شد.

همین مختصر توضیح نشان می‌دهد که نمایندگان اکثریت مجلس، اگر هم بتوانند بر اختلاف سلیقه‌هایشان نیز مهار بزنند، برای برداشتن حتی یک قدم اصلاحی باید چالش‌های جانکاهی را از سر بگذرانند. با این اوصاف، می‌توان شعارهایی را که مجلس ششم را «مجلس اصلاحات» معرفی می‌کند، جدی گرفت؟ ضمن آن‌که این مجلس، علاوه بر شورای نگهبان، ممکن است مجبور شود با اختلاف سلیقه‌ها و یا حتی حرکات موازی شورای تشخیص مصلحت نظام، به ریاست

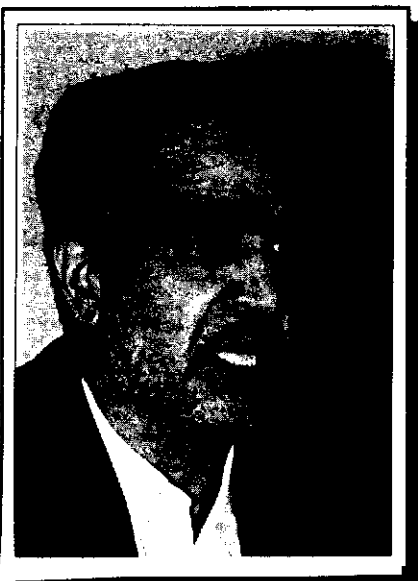
آقای هاشمی رفسنجانی (که دل چرکینی ایشان از جریانات مربوط به انتخابات مجلس فعلی بر کسی پوشیده نیست)، دست و پنجه نرم کند. علاوه بر موارد فوق، نمایندگان جناح اکثریت باید آماده برخورد با یک نیروی قوی و تأثیرگذار دیگر هم باشند. این نیرو بدنه‌ای از قوه قضاییه است که در سال‌های اخیر بارها ثابت کرده که در نشان دادن شدت عمل، تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

اما نباید فراموش کرد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان وابسته به جبهه دوم خرداد، صرف نظر از تعهدات خود در مقابل رأی‌دهندگان، بقای خویش را در ایجاد حداقلی از تغییرات و تحولات می‌بینند و بدین لحاظ خود را آماده رویارویی با چالش‌ها، مانع‌تراشی‌ها و حتی کارشکنی‌ها کرده‌اند.



دکتر احمدپور نجاتی؛ اگر فراکسیون‌های حزبی بخواهند با نوعی خودمحوری رفتار کنند، [کار] به نوعی تشتت در جبهه دوم خرداد می‌انجامد

اولین کنش و واکنش در راستای روندی که فوق‌آشرح داده‌شد، در آخرین روزهای خردادماه اتفاق افتاد و تصویری کلی از برخوردهای آینده را در برابر دیدگان ناظران ژرف‌نگر قرار داد. روز ۳۰ خرداد متن نامه‌ای خطاب به آیت‌الله شاهرودی، رییس قوه قضاییه، که عده



محمد سلامتی: یحسان سازی‌ها در جهت ساقط کردن دولت آقای خاتمی است

و جناحی، در حاشیه امن قرار گیرد...»  
مجموع این واقعیات نشان می‌دهد که در ماه‌های تابستان امسال، علاوه بر داغی هوا، باید داغی درگیری‌های سیاسی متعددی را نیز تحمل کنیم! از سویی، تعداد امضاها نامی فوق‌الذکر مؤید این است که اکثریتی قاطع در مجلس خواهان اصلاحات و رفع محدودیت‌های ایجاد شده برای مطبوعات و فعالان جریان دوم خرداد (که به شرحی که در شماره گذشته همین مجله نوشتیم، عده‌ای دوران آن را خاتمه یافته اعلام کرده‌اند)، هستند. اگر توجه داشته باشیم که تکلیف تعدادی از کرسی‌های مجلس هنوز مشخص نشده و عده ۲۹۰ نفری نمایندگان مجلس هنوز تکمیل نیست، وجود ۱۵۰ امضا در پای این ورقه را می‌توان یک اکثریت قاطع تلقی کرد. ولی آیا این اکثریت وحدت و همدلی خود را در آینده هم حفظ خواهند کرد؟ و اگر این وحدت حفظ شد و این نمایندگان قوانینی در راستای اصلاحات مورد نظر خود را تصویب کردند، امکان گذر این قوانین از صافی‌هایی که به آن‌ها اشاره کردیم، وجود خواهد داشت؟

حوادث داغ سیاسی ماه‌های داغ تابستان امسال پاسخ این قبیل پرسش‌ها را روشن خواهد کرد.

امضاکنندگان آن در روزنامه‌های مختلف از ۱۵۰ تا ۱۵۵ نماینده مجلس ذکر شده بود، درج شد. در این نامه مفصل، امضاءکنندگان خواستار توجه و رسیدگی رییس قوه قضاییه به موارد متعددی شده‌اند، از جمله: ... ما نمی‌توانیم نگرانی شدید خود را از برخوردهای بعضی عوامل قوه قضاییه با حوادث خاص جامعه ابراز نداریم... برخورد ناصواب دادگستری تهران با برخی از مطبوعات، نه تنها موجب تنزل شأن قوه قضاییه در افکار عمومی شده است، بلکه سبب وهن نظام در افکار بین‌المللی نیز گشته است... در دو ماهه اخیر، شاهد دستگیری‌هایی به بهانه‌های مختلف بوده‌ایم که شما و ما، از علت واقعی آنها بی‌اطلاع نیستیم. به نظر ما، این دستگیری‌ها، نوعاً غیر قابل توجیه و یا غیر لازم بوده‌اند، و لذا صراحتاً نگرانی جدی خود را نسبت به نحوه رفتار با این دستگیرشدگان، اعلام می‌داریم. اخبار ضد و نقیض درباره اعمال محدودیت‌های غیر قابل توجیه برای این افراد، جو جامعه ما را ملتهب و سبب بی‌اعتمادی به قوه قضاییه و نظام می‌گردد...»

## درج همه روزه مطالبی داغ و انتقادآمیز از اوضاع اقتصادی در مطبوعات طرفدار محافظه‌کاران، نشان می‌دهد که آنان قصد دارند از ناراضی مردم از فشارهای اقتصادی، به عنوان مریه‌ای برای مبارزات انتخاباتی آینده بهره بگیرند

همکار باشند، قوه قضاییه‌ای که از غوغاگران نهراسد و فضا را بر قانون‌شکنان و ستمکاران تنگ و ناامن گرداند و هیچ مجرم و قدرتمندی نتواند با استفاده از رانت قدرت، یا فشار حزبی

مشخص است که اشاره امضاءکنندگان این نامه به روزنامه‌های تعطیل شده دوم خردادی و به نویسندگان بازداشت شده‌ای است که یا عضو تحریریه این روزنامه‌ها بوده‌اند و یا در این روزنامه‌ها مطلب و مقاله می‌نوشته‌اند. همچنین مشخص است که نامه مورد بحث یک روز قبل از انتشار در روزنامه‌های صبح ۷۹/۳/۳۰، برای ریاست قوه قضاییه ارسال شده است. حال به مطلبی که از قول رییس قوه قضاییه در همان روزنامه‌های ۷۹/۳/۳۰ چاپ شده است، توجه کنیم: «آیت‌الله شاهرودی: دشمن می‌خواهد مخالفت با ارزش‌ها را از طریق مطبوعات، کتاب‌ها و فیلم‌ها به جامعه تزریق کند.»

ایشان دو روز بعد در تکمیل سخنان خود گفت: «روزنامه‌هایی تحت تعقیب قرار گرفتند که موجب افترا، دروغ و به نوعی، نگرانی شده بودند.» (بیان ۷۹/۴/۱)

آیت‌الله شاهرودی به همین بیانات بسنده نکرد و برای نشان دادن عزم خود در دفاع از عملکرد قوه قضاییه جوابیه‌ای خطاب به